



بقلم آقای دکتر رضا زاده شفق

نماینده طهران در مجلس

## راه‌رهای ایران

ایران باید ازین تنگنای معیشت خلاص شود. ناله و شکایت‌های پنجاه ساله دوره بیداری باید سر آید سرانجام باید دست بکار سودمند موثر بزین و ما نیز مانند ملت‌های شایسته و چاره جوی جهان راه‌رهای پیدا کنیم و یک روش زندگی قابل تحمیلی برای خودمان تعیین نماییم تا افراد ملت ما نیز درین جهان چند روزه زندگانی فردی و اجتماعی را بخوشی و فراغت خاطرری که نصیب اقوام قابل تواند بود بسر برند. پیشوایان آزادی و آبادی ایران از دیرباز راه‌های راه‌رهای برای ما اندیشیده و گفته و نوشته اند اینک آنچه بنظر من راه مطمئن تر و مقدم تر و هدف رس‌تر دیده میشود پس از سال‌ها اندیشه اندیشه و قیاس میگویم و بدیهی است این گفتار که در موارد دیگر هم از طرف من اظهار شده برای رسیدن بکردار است. آغاز هر کار، نخست فکر و نقشه سپس بیان و تبیین سوم اقدام و عمل است و اگر یکی ازین سه نباشد فایده ای نخواهد داشت. گفته اند در گفته اند در گفتن اثری است که در نگفتن نیست من بی همان اثر میگردم مگر روزی افکار ما صورت عملی بگیرد و آرزوی ما تحقق پذیرد.

در راه‌های مختلف که در اینندت

مگر یوه دور

از طرف چاره جویان برای نجات

ایران پیشنهاد شده ظاهراً بگونه لزوم تقدم در هر یکی از آنها دیده میشود در صورتیکه چاره مقدم فقط یکی تواند بود. مثلاً فرهنگ و کشاورزی و بهداری و امنیت قضائی و توسعه صنایع و قدرت مالی و نیروی دفاعی و رفاه های اجتماعی و نظایران هر یک بجای خود مهم و مقدم دیده میشود و از هر یکی میخواهیم شروع کنیم وجود آن یکی را لازم میگیرد پس همه چاره‌ها مشروط بهم؛ فکر انسان در چنین مورد تعارض و تلازم چاره‌ها گرفتار چرخیدن بدور خود میگردد و گیج و وامانده میشود و درین سرگردانی راه چاره کم میکنند. برخی میگویند چاره اساسی در توسعه فرهنگ است و باید نخست بدان شروع کرد ولی تا باین صدد بیقیم می بینیم فرهنگ پول میخواهد پس میگوئیم قدرت مالی مقدم است اما قدرت مالی نیروی دفاعی و امنیت قضائی

لازم دارد در صورتیکه تهیه نیرو و توسعه دادگستری هم بنوبت خود قدرت مالی میخواهد و تمام اینها ملت سالم تندرستی لازم دارد که کار کند و محصول و پول بوجود آورد ولی افسوس همین تندرستی و بهداری نیز دانش و فرهنگ و پول میخواهد...! درین گیرودار و تعارض یا باید تا ابد چرخ بخوریم یا باید تا ابد چرخ بخوریم یا باید خود را از گریوه دور خلاص کنیم و راهی برای عمل پیدا کنیم و بالاخره از یکجا شروع نمائیم و پیش برویم و از اتلاف جان و مال در عالم تردید و تعارض نجات یابیم.

### راه چاره

بدون سردید در بادی امر تمام این چاره جوئی ها را تا آنجا که

مقدور است باید با هم و توأم عمل کرد چنانکه در اینمدت تا حدی عمل هم شد یعنی هم باید بفرهنگ پرداخت هم به بهداری و هم بدادگستری و نظایر آن. نمیشود بیکدیگر پرداخت و آن دیگر را تعطیل کرد. این گونه اصلاحات مربوط بهم را هرگز نمیتوان از هم تفکیک نمود.

ولی نکته ای که در یافتن آن شرط ذوق و بصیرت و لازمه فهم و فراست ملتی است - همانا عبارتست از اینکه کدام يك از اصلاحات را باید مرکزیت و تقدم داد و توجه اساسی بدان میندول داشت و آنرا منبع اصلی اصلاحات دیگر شمرد.

در هر نقشه اساسی يك روال اصلی و نقطه مرکزی موجود است. در تاكتيك جنگ بسا که بنسبیت موقع بیک قسمت مثلا پیاده یا سواره نظام یا توپخانه یا نیروی هوایی یا موتوریزه و وظیفه مرکزی و اساسی را رجوع می کنند و باقی را فرع و متمم آن قرار میدهند. در يك از گستر موزيك آهنگ اساسی (موتیف) را زمینه نغمه کلی قرار میدهند و بقیه را در حواشی و تشکیل آن مینوازند.

این عمل یعنی عطف توجه عمده بیک اصلاح با وجود حفظ اصلاحات دیگر در خود کشور ما کاملاً ظهور کرد یعنی شاه سابق در تمام قسمتهای امور کشور فعالیتی راه انداخت ولی توجه عمده اش معطوف به ساختمان راه آهن بود و بدون اینکه آن یکیها ترك بشود با يك نقشه ثابت و اقدام و تعقیب مستمر این عمل خطیر بی نظیر باور نکردنی را خاتمه داد و يك خط راه آهن بطول هزار و چهارصد کیلومتر کوههای مسلسل بی گذار را شکافت و ببقصد رسید. و این موفقیت بزرگ با همان فرهنگ ناقص و امنیت ناکافی و دادگستری نارسا و بهداری محدود به حصول پیوست نهایت اینکه شاید اصلاح بهتر و مهمتر از راه آهن متصور بود در این صورت کاش نیرو و مال و جان صرف راه آن اصلاح بهتر میشد.

پس ممکنست با وجود تقص در بعض اقسام يك منظومه اصلاحات قسمتی را اختیار کرد و آنرا مورد توجه خاص قرارداد و پیش برد. و بدون تردید با چنین روشی میتوان از گریبۀ دور بدر آمد و پس از کامیابی درین موضوع اساسی س‌ر وقت اصلاحات دیگر رسید و آنها را پشت‌سر هم با وسایلی که بدست آمده بکمال رسانید.

چاره اینکه درین تراکم انواع احتیاجات

### چاره اساسی

و اقسام نقشه‌ها اساسی بنظم میرسد همانا عبارتست از آنچه از طرفی ما را از تنگنای معاش و گرسنگی که مانع هر نوع کار و فعالیت معنوی و مادیست برهاند و از طرفی اسباب و وسایل برای اصلاحات بدست ما بدهد. با اینکه در انجیل نوشته است آدمی تنها زنده‌بان نیست و در قرآن کریم اهل معنی رازندگان واقعی نامیدند و عارفان مردمان صاحب‌دل را زنده شمرند. سعدی فرمود تن آدمی شریف است بصفات آدمیت با تصدیق تمام این حقایق باز باید بدانیم که تا مین معاش و تغذیه بدن و تندرستی و سیری تن از طرفی و داشتن وسایل و ابزار کار از طرفی شرط اساسی امکان زندگی درین جهانست بدون معیشت نهدل هست و نه دین و بدون وسایل نه رفاه و آسایش هست و نه تمدن: بدن مرکب روح است و درین عالم سفلی روح قائم بجسم است و جسم گرسنه نه اینکه نمیتواند مظهریت خود را حفظ کند بلکه نفعات روح را از ظهور و جلوه نگه میدارد. زندگی مادی البته هدف و مقصود نیست ولی واسطه است و بدون وسایط زندگی محالست. کودکی که بدنیا میاید اول غذا میخواهد چون غذا شرط و بنیان زندگیست و رسم آفرینش بر اینست.

عجب از من است که در این موقع دارم استدلال در امری میکنم که در نظر همگنان محسوس و روشن است و محتاج به برهان نیست همه میدانند در هر روز از روزهای عمر این زمین سرگردان افراد بشر و ملتها و دولتها کافه و بدون آرام و آسایش در درجه اول پی کسب معیشتند و نود درصد اقدامات فروری و جمعی نهضت‌های جهان و جنگها و صلح‌ها و روی احتیاجات اقتصادیست و این عبارزه بر سر معاش از یرباز مهمترین شغل آدمیزاد بوده و درین موضوع انسان از مور و مار و ماهی و میمون فرقی نداشته زیرا همه جا و همیشه قاعده مسلم خلقت است که: این شکم بیهز بیج صبر ندارد که بسازد بیج. همین جنگ جهان ویران کرده امروز يك جنگ اقتصادیست و در حقیقت دعوا بر سر نانست.

بنظر من ازین لحاظ و با این مقدمه چاره اساسی ایران یکی بیش نیست آنهم عبارتست از پرداختن به سر زمین کشور و عزم با استفاده از منابع ثروت که درین زمین پهناور نهفته است پس مقدمه تمام

اصلاحات کشور بدون تردید عبارتست از کشاورزی و جنگلداری با تمام معنای آن و استخراج معادن و آغاز باین اصلاح ضروری و فوری بدون تردد و تأمل و وقت تلف کردن وظایف دولت و ملت ایرانست . و شکی نیست هر آنچه در اینباب دیر کنیم زیان کرده ایم .

### کشاورزی چه میتواند بکند

۱- خوراك سالم و كافی : البته اساس کشاورزی حداکثر استفاده از تمام سرزمین کشور و توسعه کامل

آبیاریست . دولت و ملت ایران باید بدون تضييع وقت بکار کشاورزی بخصوص بوضع آبیاری اهمیت بدهند . ما زمین پهناور مثری داریم ولی آب نداریم و باید با وسایل فنی که در دنیا عمل شده و نتیجه گرفته اند و کلخن را گلخانه کرده اند ما نیز زمین کشور خود را حاصلخیز کنیم .

اولین تاثیر این قدم بزرگ اینک غذای کافی و حسابی بتمام افراد گرسنه و لاغر اندام و نیمه جان ما میرسد و نیروی زندگی بآنان دمیده می شود و جان میگیرند و چشم شان روشن میشود و جنبشی میکنند و بوظایف زندگی قیام می نمایند اکنون بیشتر از نصف یا شاید دو ثلث ملت ما باذرت بوسیده و بلوط و هسته و جو و پوست و گیاه زیست میکنند که درین عصر تمدن بعقل راست نیاید . دولت مادر این سنوات جنگ احتیاج مردم را نسبت بکنندم دولتی حدود سیصد و پنجاه هزار تن تشخیص داده است . بدیهی است عده زیادی هم از بازار آزاد یا از مزارع شخصی تهیه میکنند . در هر صورت اگر نفوس ایران را پانزده میلیون تصور کنیم و یک پنجم آن یعنی ۳ میلیون کودک شیرخوار محسوب داریم و برای دوازده میلیون باقی بهر فردی در سال صد کیلو گندم راجو تعیین کنیم که الحق کافی نیست احتیاج کشور در سال دست کم یک میلیون و دوست هزار تن خواهد بود که با تهیه آن نان این مرز و بوم تامین خواهد گشت در صورتیکه برخی اهل اطلاع مصرف هر فرد را در سال ۳۰۰ کیلو و مقدار کل گندم را که لازم است سه میلیون و سیصد هزار تن تشخیص میدهند .

منبع مهم دوم تغذیه گوشت و شیر و کره و نظایر آنست که از تربیت گاو و گوسفند و حیوانات دیگر اهلی حاصل میگردد و کشور های کشاورزی جهان این منظور را با نهایت کوشش تعقیب کرده اند و میکنند بطوریکه کشوری مانند سوئیس که چندین بارها از ایران کوچکتر است هفتاد درصد سرزمین خود را چراگاه قرار داده و آرژانتین که تنها دو مقابل ایرانست حدود سی میلیون دواب و چهل میلیون گوسفند دارد .

ایران بعکم مساحت در صورتیکه از عهده آبیاری و سد بندی برآید میتواند در تربیت اغنام و احشام کاری بس شمر و عظیم انجام دهد . میگویند

در ایران چهل هزار ده موجود است اگر هر ده روی مرفته هزار گاو و گوسفند به پرورد عده این دو حیوان مفید و کشور چهل میلیون خواهد بود و با اینطریق نه تنها همه مردم شیر و کره و گوشت کافی خواهند خورد بلکه مقداری ککشورهای بیگانه فروخته خواهد شد . البته اگر آب فراوان باشد و چراگاهها بوجود آید وجود این عده گاو و گوسفند هرگز اسباب تمجب نخواهد گشت .

از طرف دیگر باغداری و سبزی کاری و تربیت انواع و اقسام میوهها برنامه غذای ملت ما را تکمیل خواهد نمود پس اقسام دانه ها از گندم و برنج تا لپه و لوییا و میوه ها و سبزی ها و شیر و زوغن و گوشت و حبوبات از قند و شکر تا شیر و عسل و فراوانی نصیب این ملت گرسنه بریشان خواهد شد و از مازاد آن مبالغی هنگفت برای فروش و مبادله با بازار عالم خواهد رفت و تا ملت ما سیر شد و نیرو گرفت شاد و حاضر بکار و تندرست و خوشبین و میهن دوست و حقیرست خواهد شد . زیرا بدون مبالغه توانگفت رشد مبنوی و روحی مستقیمانوطر باشد چسباً نیست فقر و گرسنگی کاروان غم و درد و شکوه و ناله و بد اندیشی و بدبینی و حقد و حسد و نظایر آنرا با خود میآورد چنانکه برعکس سیری و تندرستی روح درستی و مردانگی و خوشبینی و نشاط را تربیت میکند و جا دارد درین باب فصلی جدا گانه نوشته شود که چگونه درین جهان گذران دلها که جایگاه خداست تا حدی به شکمها تکیه دارد و همین مطلب بود که در بالا هم مذکور افتاد .

**۲- پوشاک** - آدمی تا سیر شد ب فکر لباس می افند ملت های گرسنه و خانه بدوش و بدوی لغت و پریشانند و ملت های بزرگ متمول عالم همه نوع پوشاک برای تمام طبقات و مناسب تمام فصول در نهایت راحت و زیبایی و ارزانی و فراوانی آماده دارند در سرزمین ما اکنون پنبه و پشم و ابریشم و کتان و نخ به حصول میآید ، و ممکن است از آنها استفاده کافی بشود و اقسام لباسها قماشها در کارخانهای ما تهیه گردد . هر چه مواد اولیه ما خوبتر و کارخانها دقیق تر گردد محصول قماش لطیفتر و بادوامتر و زیباتر خواهد بود . آنچه تا کنون از پارچه های کارخانهای اصفهان و مازندران گرفته تا پتو و پرده و دستمال و کراوات و جوراب در ایران تهیه شد بغوی نشان داد که اینگونه مصنوعات در ایران عملی است فقط لازمست روبه تصفیه مواد اولیه و تکمیل کالا برویم و معایب آنرا مرتفع سازیم که هم زیبا و هم بادوام و هم ارزان تمام شود و بعد از جنگ که بازار جهان آزاد خواهد بود بتواند با کالای خارجی رقابت نماید زیرا مسلم است همیشه نمیشود با سلاح انحصار با دنیای بازار گانی مبارزه نمود جنس خوب و ارزان هم لازمست .

در هر صورت آنچه آشکار است این است که کشور ما حتما میتواند از محصولات کشاورزی و دامپروری احتیاجات پوشاکی خود را بعد اعلی رفع نماید. بیکوفتی بود زراعت پنبه در این کشور امر مجهولی بود بعد شروع بکاشت کردند و عملی شدوبهترین جنس مانند پنبه فیلستان بوجود آمد که در بازار جهان مرغوب گشت. بتدریج مقدار محصول بالا رفت تا در سال ۱۳۱۹ بالغ به سی هزار تن شد. همچنین محصول پشم روبه ترقی نهاده بود.

### ۳ - تامین درآمد: دولت ایران برای هرگونه اصلاحات میلیونها

و صد میلیونها پول (یعنی وسایل و ابزار) لازم دارد. و این پول را یا باید قرض کند یا باید از آسمان بزمین آید یا اینکه از محصولات کشاورزی و معادن این کشور بدست آوریم سپس راه بازرگانی و صنعتی را هم پیدا کنیم و باید بدانیم که اگر کار کنیم و از اصول علمی عصر استفاده نائیم و ملت ما از روی عقیده و ایمان با اصول جدید کشاورزی دست بکار زنده مجلس وقت خود را با مباحثات بیجا و دولت فرصت خود را بانثشت و برخاست بیفایده و امضای اوراق نگذراند قطعا ازین ممر استفاده عظیم نصیب ما میگردد و عایدات فراوان که خود خواب آنرا ندیده باشیم بدست ما میآید و در نتیجه فقر و نداری از گریبان ما دست بر میدارد و رفاه و نشاط جای آنرا میگیرد و تمام احتیاجات کشور مرتفع میگردد و بتدریج ما هم از نعمتهای تمدن جدید منتعم میشویم کشور ما هم پر از وسایل زندگی میشود و همه جا جوش و خروش و فعالیت و خوشی نمایان میگردد.

اینگونه محصولات کشاورزی در این کشور متنوع است و بشرط کار و کوشش و تطبیق سرمایه و فکر و اصول و روش علمی ممکن است تنوع و ارزش و درآمد آن فوق تصور و انتظار باشد. تنها در سال ۱۳۱۶ که آمار رسمی کشاورزی دارد ۲۴ نوع محصول مستقیم یا غیر مستقیم کشاورزی ثبت شده که مجموع وزن تخمینی آن بیشتر از سه میلیون و نیم تن از آنجمله گندم حدود دو میلیون و جو مقارن هشتصد هزار و برنج معادل چهارصد هزار تن بوده است. درآمد خزانه کشور ازین گونه محصولات بخصوص پشم از وضع و اجرای ترتیبات صحیح بیش از آرزو خواهد بود. تنها یک علف و برگ تلخ که توتون و تنباکو میدهد در سال ۱۳۲۰ بالغ بر پنج هزار تن محصول داد که ارزش تقریبی خرید آن بیشتر از بیست میلیون ریال میشود و میگویند در آمد دخانیات در ۱۳۱۳ از چهل میلیون ریال شروع کرده و بقدر به ۱۸۰ میلیون رسیده است و در سابق نقشه ای برای صادر کردن تهیه میشده حتی بامراکز مربوط مانند لهستان و مصر و روسیه وارد مذاکره شده بوده اند یکی از مطلقین که در امور دخانیات و در ساختمان کارخانه موجود در طهران

که می‌توان آنرا جزو کارخانهای درجه يك جهان شمرد مؤثر بود عقیده داشت که در صورت اهتمام کافی و جلوگیری از تفریط و دزدی ممکنست تمام بودجه کشور را تنها از دخانیات تأمین کرد!

از همین رقم شروع کنید و اقسام و انواع محصولات زمینی را از حیوانات تا میوه حات در نظر بگیرید که با آب کافی و کشت فنی چه اندازه بهره‌میتواند بدهد. این بهره حتی در محصولات فرعی که شاید از نظر عامه پوشیده باشد مهم است شاید کسانی باشند و ندانند در سال ۱۳۱۶ کشور ما حدود صد و پنجاه هزار ریال کتجد و بیشتر از يك ملیون ریال حنا و صد هزار ریال گرچک و مقارن پنجاه میلیون ریال کثیرا صادر کرده!

در باب درآمد کشور از معادن فرصتی بهتر و وقتی دیگر درخور است تا شرح آن داده شود و تنها داستان نفت که یکی از مواد استخراجی ما است کافیست بمانشان دهد چه ثروت عظیم در زیر خاکها مدفونست و ما میتوانیم بقول معروف از سفیدی نمک تا سیاهی زغال معادن خود را مورد استفاده هنکفت قرار دهیم و صدها میلیون بهره برداریم.

يك رشته از امور فلاحتی که در کشور ما متروك شده و از خاطرها رفته و آنچه مانده معروض غفلت و آفت است همانا جنگلبانیست. جنگل در دنیای امروز از حیت تاثیر در آبها و تأمین انواع محصولات مانند اقسام چوب برای ساختمان و کشتی و هواپیما و راه آهن و وسایل نقلیه و مصنوعات از مبل تا چوب کبریت و مصرف تونل معادن و ابزار و ظروف بی اندازه مهم و سودمند است میگویند تنها مقدار چوبی که در کشور ما بصرف کبریت میرسد هفتاد هزار متر مکعب است در دنیای متمدن امروز از میوه و برگها و ریشه و ساقه درختهای جنگلی هم استفاده میکنند و انواع ادویه و عصاره‌های سودمند میگیرند.

در گزارش مفیدی که آقای مهندس ساعی رئیس اداره جنگلها تهیه کرده اند گفته میشود که «اگر در این کشور طبق قواعد جنگلداری از جنگلها استفاده و بهره برداری شود ممکن است در حدود سیصد میلیون ریال بهره سالیانه بدهد» و بدیهی است این بهره به نسبت توسعه کار جنگل فزونی خواهد گرفت.

خلاصه آنکه بجا توسعه کشاورزی که اساس تهیه آب بواسطه سدبندی و استفاده از چاه و قنات و چشمه ها و برف و بارانست بطوریکه یکقطره آب بهرهز و هدر نرود همچنین با اهتمام به جنگلداری و استخراج معادن ممکنست بدون تردید در ظرف ده سال یا بیش و کم اوضاع اقتصادی کشور ما کاملا دیگرگون گردد و فراخی و فراوانی در احتیاجات زندگی بنا روی آورد

سرزمین ما سرتاسر سبز و خرم و خوش هوا و زیبا و مردم ما سیر و تندرست و با نشاط و حاضر بکار و کوشش شوند و بیداست که تأثیر این سعه مادی در معنویات هم بیکرانتست . در کشوری که تنگدستی و ضیق معیشت و فشار فقر جای خود را به رفاه و آسایش و وفور نعمت و خوشی و کامرانی داد قطعا تفرقه و ستیزه جوئی و خود کامی و بد خواهی و بد اندیشی نیز کم کم از ساحه دل افراد ناپدید میگردد و جای آنرا مهر و یگانگی و خیر خواهی میگردد زیرا قسمت مهم فقر اخلاقی بی تردید نتیجه فقر اقتصادیست و مضمون کافالقران نیکون کفرأ همین است . بدیهی است که همین فراوانی مواد خام و مقدمات اقتصادیست که اساس يك بازرگانی بهره بخش سودمند و يك نهضت صنعتی خواهد بود و کارخانهای ما که امروز صدها میلیون ارزش آنست تکمیل خواهد شد و بکار خواهد افتاد و این سه رکن مهم زندگی ملل یعنی محصولات زمین بازرگانی و صنعت کشور ما را واقعا بهشت برین خواهد ساخت .

نظر نویسنده این سطور از تکرار کلمه علم و فن نیز باید روشن گردد زیرا باطرز قدیم و قواعد معمول و دیسی کهنه نمیتوانند نهضت جدیدی بوجود آورد که ما را در برابر رقابت جهان متمدن که از خاک تیره کیمیای سازند بر پا دارد مهندسی و کشاورزی و شیمی شناسی این عصر بمقام اعجاز رسیده و نه تنها محصولات طبیعی زمین را میتوانند از ناف زمین بیرون کشند و به حد کمال مورد استفاده قرار دهند بلکه بواسطه شیمی ترکیبی قادرند نظیر و ردیف آن محصولات را از مواد آلی و غیر آلی بوجود آورند که عقل از درک آن قاصر است چنانکه در همین جنگ ما میلیونها تن نفت مصنوعی و نظایر آن ساخته شد . بلی در چنین عصری هم باید يك رفرم اساسی در در کار اقتصادی و مالی خود عموما و در اصول کشاورزی و گاووش معادن و جنگلداری و امثال آن خصوصا بوجود آوریم . و درین مقصود لازمست بیدرنک از علم و فن و وسایل و ابزار و کارشناسان بیکانه استفاده شود و هیچ گونه تعصب جاهلانه و اغراض که روی حس خود خواهی بیش از لزوم یا ضدخارجی بیش از حد باشد بکار نرود و درعین حال از دانشمندان و مهندسان آزموده ایرانی که اکثرن افسوس عمده اوقات آنان یا با بیکاری و یا با کار اداری میگردد استفاده شود . از بکرشته گزارشهایی که از مهندسین یاخبیه یا آگاهان در همین رشته کشاورزی امثال آقایان اویسی ، مهندس حامی ، ذوالریاستین مهندس ساعی ، هادی سپانلو ، هاشم زاده فلاح رئیس کشاورزی غربخو آقای نیک بی و امثال آنان دیده خوانده ام و از برخی مقالات دانشمندانه و پیشنهادها که در انتشارات وزارت کشاورزی ملاحظه کرده ام و از مذاکراتی



که با متخصصین فن مانند جناب آقای احمد عدل و جناب آقای محمود فاتح و از مختصر اطلاعاتی که از دور از طرح جناب آقای نوری اسفندیاری حاصل کرده ام و از طرحهایی که در باب آبیاری از آقای پرفسر ویندزر امریکائی و مهندسانی مانند مهندس پرویز بهمن و مهندس حامی بخصوص نسبت به موضوع آب لار و آبیاری طهران شنیده ام و از مختصر توضیحاتی که از آقای دکتر یوسفی در باب سد شبانکاره اخذ کرده ام امید واقعی دارم که اگر توجهی خاص از ناحیه ملت و مجلس و دولت باین امر مهم حیاتی مبذول گردد و دولت اینگونه مردان کار و اهل فن را بکار اختصاصی خودشان گمارد و آنانی را که اساساً ازین فن سرد شده و بکنار زده اند دوباره با اقدام و عمل روا دارد و برای فارغ التحصیلانی آمورشگاههای فنی مانند کشاورزی و دامپزشکی ارزش و اهمیت قابل شورو از اشخاص فنی که هم اکنون در وزارت کشاورزی اداری شده اند استفاده فنی نماید و یک نقشه عملی و صحیح و ثابت تهیه و اجرا کند ایران با تأییدات بزدانان ازین تنگنای معاش رهایی خواهد یافت و میدان برای تمام اصلاحات کشور باز خواهد شد و کار ما ملت سر و سامانی پیدا خواهد نمود .

در خاتمه باید با کمال خورسندی اظهار دارم که چون شخص اعلیحضرت شاهنشاه ایران نسبت باین امر علاقه خاص ابراز فرمودند و شماره ای از نمایندگان محترم مجلس اهمیت آنرا متذکر شدند و دولت آنرا جزو برنامه خود قرار داد و برخی جراید هم در ترویج این فکر کوشیدند و جمعی از بازرگانان و کشاورزان کشور در صدد تشکیل شرکت آبیاری بر آمدند امید است نهضتی سودمند و استوار شروع کنند و باین هدف مهم ملی رسیده آید.

البته در اینمصر دانس و اختراعات رفاه

**تامین صادرات** و گشایش واقعی در حیات یک ملت

بسته بمبادله و بازرگانیت امروز هیچ

ملتی نمیتواند منحصر بآب و محصولات کشور خود زندگی کند زیرا سرزمینها و آبوها و استعداد های ملل جداست و هرزمینی محصولی و هر مردمی مصنوعی دارد و سعادت ملل در همکاری و مبادله و استفاده از میوه های کار یکدیگر است .

در این دوره مغرب زمین مرکز اختراعات شگفت آور حیرت بخشی است که کلی و جزئی آن از هواپیما و اتومبیل ر کشتی و قطارهای برقی و رادیو تا اطوی خیاطی و یخچال و مطبخ برقی موجب رفاه و صلاح زندگی بشر است . صد و اند سال پیش گوته شاعر و حکیم نامی آلمان وقتی چراغ نفتی را نخستین بار برایش روشن کردند خیره شد و بی اختیار گفت تمدن از

این چه بهتر که انسان بجای شمع نفت روشن کند، اکنون آتشاعر بزرگه بایست سراز خاک بردارد و بنگردد که فرزند آدمی چه گامهای افراخ برداعته و به بینند که ممکنست با فشار يك تكمه شهری روشن گردد و باحرکت يك مهره و يك پیچ خطابه ها و اخبار و اشعار گویندگان کره زمین از ژاپن تا امریکا شنیده شود .

آری از این نعمتهای و موهبتهای هوش بشر نمیتوان گذشت پس هزاران لوازم مادی و معنوی باید باین دیار جلب گردد تا سطح زندگی ما نیز مانند دیگر ملت های زنده بالا رود و برای این مقصود ما باید صادرات کافی حسابی داشته باشیم و این عمل حتی با تقایمی که در گذشته داشته ایم باز از قدیم رکن اعظم حیات اقتصادی ما را تامین و تقویت نموده . و داد و ستد همین سالهای اخیر می تواند گواه قول ما باشد :

چنانکه در فوق هم مذکور افتاد آمار رسمی سال ۱۳۱۶ می نمایاند که در آنسال ۲۴ رقم محصول کشاورزی عمده بوده که ازین مقدار آنچه صادر شده تقریباً معادل پانصد میلیون ریالست ؛

درسال ۱۳۱۹ ایران حدود بیست هزار تن پنبه صادر کرد که بهای آن حدود صد و بیست میلیون ریال بود ؛ در همانسال معادل صد و نود میلیون ریال خشکه بار و صد و شصت میلیون ریال ابریشم و بیست و پنج میلیون ریال برنج و صد و شصت میلیون ریال پشم بخارجه فرستاده شد .

حساب فرش و برخی مصنوعات دیگر جای خود دارد و در آینده ممکن است کالای صنعتی زیادی از ایران صادر شود . قضیه معادن استخراجی که رقم اول آنست نفت است خود شرحی میخواهد . ما میدانیم که تنها نفت جنوب که در این موقع بحساب نیاوردیم ، چه اهمیت جهانی پیدا کرده و چگونه میتواند یکی از منابع هنگفت درآمد مالی ما واقع گردد و تا چه حدی امروز مورد استفاده ما است .

پیدا است منظور در این مختصر درج حساب صادرات ما نیست بلکه مقصود ذکر نمونه و تذکری است تا ما مردم بدانیم صدها میلیون ثروت درین کشور یا در زمین مدفونست یا بطور نامش و با سازمان نارسا بکار افتاده و اگر سران ملت و دولت اهتمام ورزند و امور فلاحتی این سرزمین را توأم با استخراج صحیح معادن و توسعه جنگلداری روی يك شالده اساسی علمی سر و سامانی بخشند و براه اندازند بدون تردید و بعمون الله تعالی این کشور بیجان از نو جان میگردد و آب رفته باز بجوی بر میگردد .